

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در دو یا جلسه اخیر راجع به بنیان های بحث صحبت کردیم؛ دو بنیان در نشست های گذشته مطرح شد. در بنیان دوم یک نکته باقی ماند و آن اینکه: اگر مخاطب آیات شریفه ائمه هستند خطاب یا ایها الناس و یا ایها الذین آمنوا یا ایها الانسان چه معنایی دارد. نکته ای در مورد بنیان اول:

امام صادق در جواب کسی که به حضرت عرض کرد؛ روی عنکم ان الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجال ... حضرت فرمود ما کان الله لیخاطب خلقه بما لا یعلمون... . برخی روایات را باید با جریانات پشت پرده لحاظ کرد و الّا به اصل مطلب نمی رسیم.

از خود زمان آقا امیرالمومنین جریانی به نام غلو بود در مقابل جریان تقصیر (کوتاهی نسبت به فضائل اهل بیت) ائمه هم پیوسته از جریان غلو ناراحت بودند؛ این جریان قطع نشد و تا زمان امام هادی پرتنگ بود و در زمان امام عسکری کمرنگ شد.

جریان غلو از سه چیز نشأت گرفت:

1: محبت جاهلان، مثلاً فکر می کردند اگر بخواهند خیلی به حضرت اظهار ارادت کنند باید بگویند آقا رازق است، خالق است و... .

2: انگیزه سیاسی که از ناحیه دشمنان بود، بنی امیه، بنی عباس و... . جریاناتی را راه می انداختند و یکسری چیزها را به ائمه نسبت می دادند که مردم عوام باور نمی کردند و لذا عقائدشان متزلزل می شد.

3: جریان اباحه گری: می خواستند عرق بخورند، قمار بازی کنند و... لذا جریان غلو را تقویت می کردند... از این دسته افراد ابی الخطاب و... بود.

اینها محرّمات و واجبات قرآن را به رجال تفسیر می کردند مثلاً می گفتند یکی از تلاش های گروه سوم این بود: مراد از خمر، خلفا مراد از میسر، بنی امیه، مراد از صلوة و صوم پیامبر و امیرالمومنین. راوی از حضرت صادق سوال کرد این ها می گویند: روایت شده، خمر و میسر و... مراد رجال است؛ حضرت فرمودند: نه این طور نیست خدا اگر بخواهد این ها را بفرماید صریحاً می فرماید.

بنیان سوم: اقتضاء عقل و اعتبارات عقلا چیست؟ در اینکه آیا عقل اینجا اقتضاء دارد یا نه؟ سه نظریه است:

1: قرآن باید صریح و روشن باشد چرا که کتاب هدایت است و لذا برای همگان باید قابل فهم باشد؛ قبل از انقلاب این جریان در طرفدار داشت.

2: نظر اخباری ها: بدون رجوع به اهل بیت نمی شود به قرآن رجوع کرد.

3: اگر بشود که خداوند قرآن را جوری پدید بیاورد که در عین روان بودن و قابل استفاده بودن برای مردم، باطن و لایه های داشته باشد که اهل دقت و بزرگان از آن استفاده کنند؛ عقل گوید اگر سومی ممکن باشد خداوند قرآن را باید به این صورت نازل کند؛ ائمه و بزرگان ما جوری از قرآن استفاده کرده اند که عوام نمی توانستند چنین استفاده ای کنند. در روایت داریم: ان کتاب الله علی اربعه اشياء: العبارة للعوام، والاشارة للخواص والطائف للاولیاء والحقائق للانبیاء.

استاد علیدوست: چرا فرمود چهار چیز است؟ این تقسیم عرضی نیست بلکه طولی است یعنی قرآن چهار لایه دارد یعنی چهار

چیز است و لذا مقسم نیاز ندارد.

مرحوم حکیم نقل می کند: که مرحوم نائینی و محدث نوری و سید اسماعیل صدر خدمت مرحوم سلطان آبادی در کربلا رفتند و یک ماه تفسیر آیه 7 حجرات را با آنها مطرح کرد و هر روز یک معنایی می کرد و این بزرگان را متحیر کرد این لطائف مخصوص اولیاء است.

الحمد لله رب العالمین